

«زبان ادبیات فارسی»

مهین همتی

عضو گروه آموزشی زبان و ادبیات فارسی ناحیه ۲ کرمانشاه

چکیده

در این مقاله با توجه به اهمیت برنامه درسی ملی در حوزه تربیت و یادگیری زبان و ادبیات فارسی، ابتدا مفاهیم مربوط به آن بیان شده و سپس این برنامه مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است.

کلیدواژه‌ها: برنامه درسی ملی، زبان،

ادبیات، فارسی، آموزش و پرورش
برنامه درسی ملی حوزه تربیت و یادگیری زبان و ادبیات فارسی برنامه درسی ملی زبان و ادبیات شامل دو بخش زبان و ادبیات است.

زبان فرایندی است که از درک و دریافت سخن آغاز می‌شود و به تولید کلام معنادار می‌انجامد.

ادبیات تولیدی مرکب و چند سطحی است که واج، واژه، معنا و نحو، سطح و جنبه هنری را نیز شامل می‌شود. کارکرد هنری زبان در قالب ادبیات ظاهر می‌شود.

ضرورت و کارکرد حوزه

زبان و ادبیات فارسی، رمز هویت ملی و سبب پیوستگی و وحدت همه اقوام ایرانی و گنجینه گران‌بهایی است که گذشته را به حال و آینده پیوند می‌دهد. در این حوزه، دانش‌آموزان به گونه‌ای روشمند و علمی با پیکره نظام‌مند و عناصرسازهای زبان آشنا می‌شوند و توانایی خلق و نگارش و آفرینش در این حوزه را کسب می‌کنند. بنیاد ارتباط انسان با دیگران بر زبان است. آموزش زبان بستر مناسبی را برای پرورش مهارت‌ها و ارزش‌های اخلاقی دانش‌آموزان در قالب‌های

از زبان برای دستیابی به هدف‌های گوناگون استفاده می‌شود؛ از جمله رفع نیازهای روزمره، تأثیرگذاری بر افکار و رفتار دیگران، ایجاد تفاهم در روابط اجتماعی، انجام دادن تحقیق و کسب اطلاعات، آشنایی با پیشینه فرهنگی، حفظ آداب و رسوم قومی محلی، احساس تعلق و ایجاد هویت ملی، قدرت بیان عقاید شخصی، دریافت ایده‌ها و افکار، بیان تخیلات و بدیعه‌گویی، و دادن اطلاعات در زمینه‌های گوناگون. زبان بستری برای تفکر است. پرورش مهارت‌های زبانی زمینه درک مفاهیم در سایر متون و موضوعات درسی را فراهم می‌آورد و به رشد مهارت‌های اجتماعی، شخصی، ذهنی، ارتباطی، فرهنگی، مطالعه و پژوهش و ارزش‌های اخلاقی کمک می‌کند.

قلمرو حوزه

آموزش زبان و ادبیات فارسی بر چهار مهارت زبانی شامل گوش دادن، سخن گفتن، خواندن و نوشتن از طریق رمزگشایی و رمزگذاری نمادهای آوایی شنیداری (و خطی) دیداری (و مهارت‌های فرازبانی) تفکر، نقد و تحلیل و چگونگی کاربرد آنها و نیز ادبیات فارسی تأکید دارد.

در این حوزه، دانش‌آموزان به فهم زبان، باورها، ارزش‌ها و نگرش‌ها، ساختار زبانی، جایگاه و گشتار زبان فارسی، پیکره نظام‌مند و عناصر سازهای و عوامل هنری و زیبایی در منابع اصیل و ادبیات کهن و معاصر دست می‌یابند. آموزش زبان و ادبیات فارسی با

متنوع زبان و ادبیات به صورت شفاهی، دیداری و نوشتاری و برای مقاصد و مخاطبان گوناگون فراهم می‌کند که شامل یادگیری زبان، یادگیری از طریق زبان و یادگیری درباره زبان است. بیشترین فعالیت روزمره

برنامه درسی ادبیات
از نظر محتوا غنای
مطلوبی دارد و این یک
مزیت و نقطه مثبت
برای کشور به شمار
می‌رود؛ به شرط اینکه
معلمان ما روش‌های
مناسب و مطلوبی را
برای عمق بخشیدن و
انتقال مطلوب آن‌ها به
دانش‌آموزان به کار گیرند

ما هنگام گفت‌وگو با دیگران و استفاده از رسانه‌ها توسط زبان شکل می‌گیرد.

زبان دو کارکرد اصلی دارد:

۱. ابزاری است برای ارتباط در مراودات اجتماعی؛
۲. ابزاری است برای ایجاد زیبایی هنری که همان ادبیات است.

رویکرد ارتباطی انجام می‌گیرد و بر انتقال ارزش‌های فرهنگ اسلامی ایرانی تأکید دارد. زبان در بستر تجربه‌های ارتباطی طبیعی، بیشتر و بهتر آموخته می‌شود؛ بر این اساس، قانونمندی‌های زبانی شامل تلفظ کلمات، ساخت کلمات و ساخت دستوری، از طریق کسب تجارب واقعی و وابسته به موقعیت‌های فرهنگی دانش‌آموزان صورت می‌گیرد. این امر به‌ویژه در سال‌های اولیه اهمیت خاصی دارد. مجموعه تجارب ارائه‌شده در قالب‌های گوناگون زبان و ادبیات فارسی، دانش‌آموزان را افرادی پایبند به ارزش‌های ملی و دینی و متخلق به آداب و اخلاق متعلق به این سرزمین می‌پرورد و به افرادی توانا در حفظ فرهنگ و تمدن خویش تبدیل می‌کند. جهت‌گیری‌های کلی در سازماندهی محتوا و آموزش حوزه: در سازماندهی محتوا در دوره ابتدایی، عمدتاً کارکرد ارتباطی زبان مورد توجه قرار می‌گیرد و کارکرد هنری زبان صرفاً باهدف لذت بردن از زبان دنبال می‌شود. در دوره‌های تحصیلی بالاتر، توجه به کارکرد هنری زبان با هدف انتقال ارزش‌های فرهنگی و رشد و تقویت توانمندی‌های هنری هنر بیان و کسب هویت ملی صورت می‌گیرد.

نقد و تحلیل

در ابتدا ذکر این نکته ضروری به نظر می‌رسد که در ایران برنامه‌ریزی درسی از رویکرد متمرکز تبعیت می‌کند و مناطق و نواحی آموزش و پرورش دخالتی در آن ندارند. برنامه‌ریزی درسی متمرکز است و توسط کارشناسان و متخصصان در وزارت آموزش و پرورش و در سطح سازمان مرکزی انجام می‌گیرد.

در بررسی و مطالعه برنامه درسی مشخص شد که برنامه ملی ادبیات سعی دارد قابلیت‌های مطلوبی را در دانش‌آموزان پرورش دهد که مهم‌ترین آن‌ها قدرت درک، تفسیر و یادگیری دانش ادبی است.

از بررسی و تحلیل محتوای برنامه درسی زبان و ادبیات ایران مشخص شد که برنامه درسی ادبیات از نظر محتوا غنای مطلوبی دارد و این یک مزیت و نقطه مثبت برای کشور به شمار می‌رود؛ به‌شرط اینکه

معلمان ما روش‌های مناسب و مطلوبی را برای عمق بخشیدن و انتقال مطلوب آن‌ها به دانش‌آموزان به کار گیرند. به عبارتی، برنامه درسی ادبیات از هر جهت قابل تأمل است؛ زیرا هم سواد فرهنگی و اجتماعی دانش‌آموزان را مدنظر دارد و هم بر پرورش حس زیبایی‌شناختی و رشد شخصی آن‌ها تأکید می‌کند.

سازماندهی محتوا به‌گونه‌ای است که بسیاری از کمبودها را در بخش‌های دیگر جبران می‌کند. محتوای دروس ادبیات، به‌ویژه در دوره متوسطه، چندین قابلیت دارد؛ از جمله قابلیت درک، تفسیر، ارزشیابی، مهارت ارتباطی و پردازش اطلاعات، ارزش‌های فرهنگی و زیبایی‌شناختی و دانش ادبی، که از غنای برنامه درسی ادبیات ایران حکایت می‌کند و در تمام دوره‌های تحصیلی، به‌خصوص دوره متوسطه، به پرورش قابلیت‌ها توجه خاصی دارد. البته در دوره متوسطه ۲ به قابلیت تفسیر اهمیت بیشتری داده شده است که با توجه به اهمیت درک معانی، اشعار، و مضمون‌ها کاملاً درست به نظر می‌رسد.

ناگفته نماند که در جامعه ایران که از اقلیت‌های قومی و زبانی زیادی تشکیل می‌شود، مؤلفه محتوا همواره با چالش مواجه است. بر این اساس، شاید راهکار مطلوب این باشد که دست‌اندرکاران آموزش متوسطه به ارزش‌های فرهنگی و ادبی قومیت‌ها اهمیت بیشتری بدهند و ضمن در اولویت قرار دادن ارزش‌ها و هویت ملی، ادبیات مربوط به قومیت‌ها را نیز در محتوای برنامه درسی ادبیات این دوره بگنجانند. برای مثال، ترتیبی دهند که در بخش شخصیت‌های ادبی، شخصیت‌های برجسته هر کدام از قومیت‌ها معرفی گردد.

باید توجه داشت که با توجه به مراحل رشد دانش‌آموزان در طول دوره دانش‌آموزی که مصادف با هویت‌جویی آنان است، انتقال ارزش‌های فرهنگی و بومی از طریق برنامه درسی ادبیات یک فرصت به شمار می‌رود. با وجود این، برنامه درسی ادبیات متوسطه کشور به لحاظ محتوا و پرورش قابلیت‌های مختلف در دانش‌آموزان غنای بسیاری دارد اما باید در ابعاد روش‌های آموزشی نیز



تحولاتی صورت گیرد و به روش‌های نوین و فعال تدریس که بتواند این قابلیت‌ها را به دانش‌آموزان به نحو مطلوبی انتقال دهد، توجه شایان شود.

همچنین نیازها و ارزش‌های اقلیت‌های قومی و زبانی در برنامه‌ی درسی لحاظ شود تا بیش‌ازپیش، به ملیت خود تعلق داشته باشند و احساس بیگانگی نکنند.

در ایران که دارای ساختار آموزشی متمرکز است، فرایند تهیه‌ی محتوا فقط در سازمان مرکزی آموزش و پرورش انجام می‌گیرد و سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی و تدوین کتب درسی وظیفه‌ی تدوین برنامه‌ی درسی و کتاب‌های درسی دوره‌های تحصیلی مختلف را بر عهده دارد. بر این اساس و با در نظر داشتن تنوع قومی و زبانی و لزوم توجه به ارزش‌های قومی در برنامه‌ی درسی ادبیات، به نظر می‌رسد بهتر است مناطق دارای اقلیت‌های قومی هم در فرایند برنامه‌ریزی درسی مشارکت داشته باشند تا نیازهای آنان نیز لحاظ گردد.

در برنامه‌ی درسی ادبیات ایران دروس تنوع قابل‌ملاحظه‌ای دارند و این نشان از آن دارد که در کشور ما برنامه‌ی درسی ادبیات از جایگاه خاصی برخوردار است و نیازها و استعداد‌های مختلف دانش‌آموزان لحاظ می‌گردد. همچنین، به پرورش مهارت‌ها و قابلیت‌های اساسی خواندن و نوشتن از طریق برنامه‌ی درسی ادبیات در دوره‌های سه‌گانه، به‌ویژه متوسطه، توجه شده است. خواندن و نوشتن در دوره‌ی متوسطه با آنچه در دوره‌ی ابتدایی مطرح است فرق دارد و نوشتن خلاقانه بیشتر مدنظر قرار دارد. این نوع نوشتن از اهمیت والایی برخوردار است و باید مورد توجه ویژه باشد و روش‌های آموزشی نیز در راستای بهبود و ارتقاء آن به کار گرفته شود.

با دقت در برنامه‌ی درسی متوجه می‌شویم که در دوره‌ی اول متوسطه، به‌جای توجه به مهارت ارتباطی و پردازش اطلاعات بیشتر به فرایندها و مهارت‌های کار با متون توجه می‌شود اما در دوره‌ی دوم بر راهبردهای گوناگون خواندن و نوشتن و جست‌وجو تأکید می‌گردد. در کشور ما با توجه به غنای ادبیات در بخش نگارش و قواعد، بر

مهارت‌های جمله‌نویسی و ایده‌پردازی در دوره‌ی اول بسیار تأکید می‌شود و در دوره‌ی متوسطه راهبردهای گوناگون خواندن و نوشتن و انجام دادن تحقیقات در خارج از مدرسه در اولویت قرار می‌گیرد.

همچنین، در بررسی برنامه‌ی درسی روشن شد که قابلیت ارزشیابی در دوره‌ی اول متوسطه بیشتر بر ابراز عقیده‌ی فردی با برداشت شخصی از متون ادبی تأکید دارد و ارزشیابی دانش‌آموزان از طریق بیان دیدگاه شخصی نسبت به متون و داستان‌ها صورت

در دوره‌ی اول متوسطه به مقایسه و معنا دادن به ایده‌ها و گرایش‌ها اهمیت داده می‌شود اما در دوره‌ی دوم متوسطه، بر تحلیل و مقایسه‌ی مستقل و توانایی همانندسازی دانش‌آموزان تأکید می‌گردد

می‌گیرد. در دوره‌ی دوم، این قابلیت از طریق یافتن بهترین توصیف یا توضیح برای متون پرورش می‌یابد.

با مطالعه و دقت در برنامه‌ی درسی مشخص شد که در دوره‌ی اول متوسطه به مقایسه و معنا دادن به ایده‌ها و گرایش‌ها اهمیت داده می‌شود اما در دوره‌ی دوم متوسطه، بر تحلیل و مقایسه‌ی مستقل و توانایی همانندسازی دانش‌آموزان تأکید می‌گردد.

در دوره‌ی اول از دانش‌آموزان انتظار می‌رود که مضمون یا پیام ارائه‌شده در متون ادبی را به واقعیات خارجی ارتباط دهند اما در دوره‌ی متوسطه انتظار این است که آن‌ها بتوانند متون گوناگون را به لحاظ محتوا و نوع آرایه‌ی ادبی باهم مقایسه کنند.

با تأمل در برنامه‌ی درسی درمی‌یابیم که در دوره‌ی اول متوسطه دانش‌آموزان بیشتر به

توانایی تشخیص و تمیز معانی و عناصر متون ادبی توجه می‌کنند و در دوره‌ی دوم متوسطه، بر روش‌شناسی و راهبردهای تشخیص سبک‌های ادبی تأکید می‌گردد.

از نکات قابل تأمل، توجه اندک به مهارت ارتباطی و پردازش اطلاعات است که با توجه به نیاز امروز و هجوم گسترده‌ی فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی باید بیشتر مورد توجه قرار گیرد.

نتیجه‌گیری

نکته‌ی قابل تأمل در مورد برنامه‌ی درسی این است که:

این برنامه در عمل تا چه حد قابل اجراست؟ آیا صرف نوشتن برنامه‌ی درست، دقیق و جامع کافی است؟

این‌ها سوالات جدی پیش روی ما در باب برنامه‌ی درسی است و موارد زیر به‌عنوان راهکار به نظر می‌رسد:

۱. آموزش روش‌های نوین و فعال تدریس به معلمان
۲. اختصاص دادن زمان بیشتری به تدریس کتاب‌های ادبیات
۳. آموزش شیوه‌های جدید ارزشیابی و انواع آزمون به دبیران
۴. تشکیل کلاس‌های حضوری ضمن خدمت برای تعامل بیشتر بین همکاران
۵. ایجاد انگیزه در همکاران برای اجرایی شدن برنامه‌ی درسی.

پیشنهاد می‌شود:

- بخشی از زمان تدریس دبیران به مطالعه و فراگیری روش‌های تدریس نوین و شیوه‌های مختلف ارزشیابی و تحقیق و ... اختصاص یابد.

- زمان تخصیص داده‌شده به علوم و فنون ادبی کم است و حداقل ۳ ساعت باشد.

- همچنین، زمان نگارش ۲ بسیار کم است و همچون نگارش دهم و دوازدهم بهتر است به ۲ ساعت افزایش یابد.